



بررسی تأثیر برجام بر توسعه اقتصادی ایران (با تأکید بر صنایع دستی معاصر ایران)

علیرضا شهرباری^۱، سید اسدالله اطهری^{۲*}، علی اکبر امینی^۳

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران. shariam972@gmail.com

^۲ (نویسنده مسئول) دکتری تخصصی، استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. athariiasadolah6@gmail.com

^۳ دکتری تخصصی، استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. aliakbarmiri@gmail.com

چکیده

بازار مربوط به تولید و صادرات صنایع دستی یکی از فرصت‌های مهم برای توسعه اقتصادی است. در این میان تحولات بین‌المللی نقش مهمی در فراز و فرود این بازار دارد. یکی از تحولات سیاسی بین‌المللی ایران در دوره معاصر مسئله برجام است. بررسی برجام نه صرفاً از حیث سیاسی، تأثیرات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آن بلکه از بُعد اقتصادی نیز قابل بررسی و حائز اهمیت است. بُعد اقتصادی آن نه تنها اقتصاد داخلی ایران را تحت اثر قرار خواهد داد، بلکه پیامدهای را در بازارهای خارجی و داخلی در بخش نفت و گاز و مواد غیر نفتی خواهد داشت. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که بعد از توافق اتمی در سال ۲۰۱۵ و گذر مقطعی از آن می‌توان اثرات و پیامدهای آن را در بازار ایران چه در خارج و چه در داخل مورد بررسی مشاهده کرد. برجام یک اتفاق تاریخی نیست، گرچه نقطه عطفی در تاریخ سیاسی و اقتصادی ایران است، اما می‌توان تمام کمیت‌های پتانسیلی ایران را چه قبل و چه بعد از برجام مورد بررسی قرار داد و به کمیت‌ها و حتی نظریات جدید دست یافت. حتی می‌توان قدم را فراتر گذاشت و برجام را یک انجماد در بازار خارجی و بررسی پتانسیل ایران در حفظ بازار داخلی خود در نظر گرفت. مقاومت اقتصادی نیز از مباحث جدیدست که خود از پیامدهای برجام است.

اهداف پژوهش:

۱. واکاوی نقش برجام در توسعه اقتصادی ایران در دوره معاصر.
۲. بررسی نقش برجام بر صنایع دستی معاصر ایران.

سؤالات پژوهش:

۱. برجام چه نقش در وضعیت اقتصادی ایران داشته است؟
۲. وضعیت صنایع دستی معاصر ایران در ساختار اقتصادی چگونه است؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۵

دوره ۱۹

صفحه ۴۰۸ الی ۴۲۹

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۰۳/۱۵

تاریخ داوری: ۱۳۹۹/۰۶/۰۴

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۰۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۳/۰۱

کلمات کلیدی

برجام،

توسعه،

توسعه اقتصادی،

ایران،

سیاست.

ارجاع به این مقاله

شهرباری، علیرضا، اطهری، سید اسدالله، امینی، علی اکبر. (۱۴۰۱). تأثیر برجام بر توسعه اقتصادی ایران (با تأکید بر صنایع دستی معاصر ایران). مطالعات هنر اسلامی، ۱۹(۴۵)، ۴۰۸-۴۲۵.



dor.net/dor/20.1001.1.1735708.1401.19.45.11.5



dx.doi.org/10.22034/IAS.2020.250170.1365

مقدمه

برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) که در تیرماه ۱۳۹۴ بین جمهوری اسلامی ایران و اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد^۲ به همراه آلمان، موسوم به 1+5، مورد توافق قرار گرفت، پس از تأیید شورای عالی امنیت ملی^۳، مجلس شورای اسلامی^۴ و نهایتاً! مقام معظم رهبری^۵ (مد ظله العالی)، در تاریخ ۲۶ دی ماه ۱۳۹۴ رسماً به مرحله اجرا درآمد. تبصره یک قانون «اقدام متناسب و متقابل دولت جمهوری اسلامی ایران در اجرای برجام» مصوب ۱۳۹۴/۷/۲۱ مجلس محترم شورای اسلامی مقرر می‌دارد «وزیر امور خارجه^۶ موظف است روند اجرای توافقنامه را هر سه ماه یک بار به کمیسیون امنیت ملی^۷ و سیاست خارجی^۸ مجلس شورای اسلامی گزارش دهد». گزارش حاضر، دومین گزارش سه ماهه روند اجرای برجام مربوط به فاصله زمانی ۲۶ فروردین لغایت ۲۶ تیرماه ۱۳۹۵ است (بعیدی‌نژاد، ۱۳۹۴). آنچه مسلم است برجام در مسیر اجرا با موفقیت‌ها و چالش‌هایی مواجه بوده است. با رفع تحریم‌های مرتبط با هسته‌ای، که بخش عمده تحریم‌ها^۹ علیه جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می‌داد، گشایش‌های قابل توجهی در حوزه‌های مختلف اقتصادی صورت گرفته است. چالش عمده در این خصوص زمانبر بودن بازگشت به شرایط پیش از تحریم است. البته با توجه به زمینه‌سازی‌های آمریکا و غرب برای اعمال تحریم‌ها از سال‌های میانی دهه ۸۰ و مدت‌ها قبل از شروع مرحله آخر تحریم‌ها در سال ۹۰، نیز شرایط روابط اقتصادی خارجی کشور نامناسب بوده و روابط اقتصادی^{۱۰} و به ویژه بانکی ایران با غرب بسیار محدود بوده است. لذا بازگشت به شرایط نسبتاً عادی اقتصادی و بانکی نه تنها وابسته به رفع مقررات تحریمی است که تا حد قابل توجهی حاصل شده است، بلکه نیازمند رفع شرایط روانی تحمیلی بر مؤسسات بانکی و پولی است که حتی قبل از وضع مقررات تحریمی حاکم بوده و مانع روابط اقتصادی بوده است. همچنین مشکلات و چالش‌هایی بر سر راه بهره‌گیری بهینه کشور از رفع این تحریم‌ها وجود دارد که عمدتاً ناشی از محدودیت‌ها و موانع غیربرجامی است ولی تأثیرات اجتناب‌ناپذیر خود را بر انتفاع کشور از شرایط پس‌برجام‌ملی گذارند (خلف‌رضایی، ۱۳۹۴). یک سال پس از نهایه شدن برجام و شش ماه پس از اجرایی شدن آن، امروز با قاطعیت می‌توان گفت که تلاش‌های شبانه روزی دانشمندان هسته‌ای کشور، و بیش از ده سال مقاومت مردم ایران، برای تحقق شعار «انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست»^{۱۱} به ثمر نشسته و این شعار بزرگ که برای آن مقاومت و ایثار زیادی صورت گرفته

1- Brajam

2- United Nations Security Council

3- Supreme National Security Council

4- Parliament

5- Supreme Leader

6- Minister of Foreign Affairs

7- National Security Commission

8- Foreign policy

9- Sanctions

10 - Economic relations 0

11 - After the Brajam 1

1 - Nuclear energy is our indisputable right

و خون شهدای گرانقدر هسته‌ای به پای آن رفته است، اکنون «محقق»^۳ شده است. «برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز جمهوری اسلامی ایران»^۴ با تمامی ابعاد مهم و حساس آن شامل چرخه سوخت، غنی سازی اورانیوم^۵، تولید آب سنگین^۶، راکتور آب سنگین^۷، تحقیق و توسعه سانتریفیوژهای پیشرفته^۸ و... نه تنها بدون حتی یک روز توقف ادامه دارد، بلکه توسط همه کشورهای بزرگ و قدرتمند دنیا، و کل جامعه بین‌المللی، و در رأس همه آنها شورای امنیت سازمان ملل متحد، «مورد شناسایی و احترام قرار گرفته است». علاوه بر این با آغاز همکاری های بین المللی، افق های نوینی در صنعت هسته ای جمهوری اسلامی ایران پدیدار گردیده و ابعاد جدیدی در برنامه هسته ای کشورمان ایجاد گردیده و در حال گسترش می باشد (سادات‌میدانی، ۱۳۹۴). در همین راستا، پژوهش حاضر ضمن مطالعه تأثیر برجام بر توسعه اقتصادی ایران بین سالهای ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۷ با تحلیل گفتمان ۱+۵ می پردازد. و این پرسش را پاسخ می دهد که با توجه به حضور برجسته ایران تأثیر برجام بر توسعه اقتصادی ایران بین سالهای ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۷ چگونه بوده است؟

بررسی پیشینه پژوهش حاضر حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلى با این عنوان به رشته تحریر در نیامده است لذا در این پژوهش که به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به رشته تحریر درآمده تا به این موضوع بپردازد.

۱. تحریم‌ها

قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد که برجام را تایید خواهد نمود تمام مفاد قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت در خصوص موضوع هسته‌ای ایران - ۱۶۹۶ (۲۰۰۶)، ۱۷۳۷ (۲۰۰۶)، ۱۷۴۷ (۲۰۰۷)، ۱۸۰۳ (۲۰۰۸)، ۱۸۳۵ (۲۰۰۸)، ۱۹۲۹ (۲۰۱۰) و ۲۲۲۴ (۲۰۱۵) را همزمان با اجرای اقدامات توافقی شده‌ی مرتبط با هسته‌ای توسط ایران، راستی‌آزمایی شده توسط آژانس، به نحو مشخص شده در پیوست ۵ لغو خواهد کرد و محدودیت‌های خاصی را به نحو مشخص شده در پیوست ۲ برقرار خواهد نمود؛ اتحادیه اروپایی همه مفاد «مقررات اتحادیه اروپایی» را، آنگونه که مؤخرًا اصلاح شده است، که کلیه تحریم‌های اقتصادی و مالی مرتبط با هسته‌ای را اجرائی می‌سازد، از جمله فهرست افراد مشخص شده‌ی مربوطه، همزمان با اجرای اقدامات توافقی شده‌ی مرتبط با هسته‌ای توسط ایران، به نحو مشخص شده در پیوست ۵، که توسط آژانس راستی‌آزمایی شده باشد، لغو خواهد کرد.

۲. نظریه برجام

رفتار دولت ترامپ در قبال این توافقنامه بین‌المللی، به گونه‌ای شکل گرفت که تردیدها درخصوص ماندگاری آن روزافزون شده است. دکتر محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران چند روز پیش در گفت‌وگو با گاردین و

¹ - research fellow 3

¹ - The peaceful nuclear program of the Islamic Republic of Iran

¹ - Uranium enrichment 5

¹ - heavy water production 6

¹ - heavy water reactor 7

¹ - research and development of advanced centrifuges

فایننشال تایمز گفت پیش‌بینی می‌شود ترامپ در ۱۵ اکتبر پایبندی ایران به برجام را تأیید نکند. این سخن آقای ظریف به استناد شواهد و قرائن بسیار است. در صورت اعلام چنین موضعی از سوی رئیس‌جمهور ایالات متحده، براساس سناریویی در یک دوره زمانی ۶۰ روزه، کنگره آمریکا درباره اعمال یا عدم اعمال مجدد تحریم‌های ایران تصمیم‌گیری خواهد کرد. بدیهی است که این روند در حال طی شدن، به معنای زمینه‌سازی برای خروج آمریکا از برجام با هزینه ایران خواهد بود. «اگر آمریکا تصمیم بگیرد از توافق هسته‌ای خارج شود، ایران گزینه‌های مختلفی در اختیار دارد و ما هم از این توافق خارج خواهیم شد.» به طور قطع خروج آمریکا از برجام، مرگ این توافقنامه بین‌المللی را رقم خواهد زد. گرچه پیش از اعلام مواضع آقای ظریف که بدان اشاره شد، آقای دکتر علی‌اکبر صالحی گفته بود اگر آمریکا به تنهایی برجام را ترک کند، ایران به احتمال زیاد به آن متعهد باقی خواهد ماند اما این دیدگاه بیشتر جنبه ذهنی داشته و واقعیت‌هایی که رقم خواهد خورد، در نهایت به مرگ برجام ختم می‌شود. حقیقت آن است که اروپا به‌رغم رقابت و اصطکاک منافع در مواردی با آمریکا، در مقابل این کشور به خاطر خروج از برجام نخواهد ایستاد. بنابراین تصور جداسازی اروپا از آمریکا درخصوص برجام و تحریم‌ها، تصور درستی نیست. کسانی که به دنبال توسعه این نگاه در کشور هستند، به گذشته‌ای رجوع کنند که خود می‌گفتند بدون مذاکره با آمریکا به عنوان کدخدا نمی‌توان مشکل تحریم‌ها را در مذاکره با اروپا حل کرد.

۳. مبانی نظری توسعه اقتصادی

اقتصاد یا ترازمان به یک نظام اقتصادی در یک یا چند منطقه جغرافیایی یا سیاسی خاص اطلاق می‌شود و در برگیرنده تولید، توزیع یا تجارت و مصرف کالاها و خدمات در آن منطقه یا کشور می‌باشد. یک اقتصاد مجموع کل ارزش معاملات میان فعالان اقتصادی نظیر افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و حتی ملت‌هاست. اقتصاد برآیند کلیه فرایندهایی است که فرهنگ، ارزش، آموزش، تکامل تکنولوژیکی، تاریخ، سازمان اجتماعی، ساختار سیاسی، سیستم‌های قانونی، جغرافیا و همین‌طور موهب طبیعی را دربر می‌گیرد. این عوامل زمینه، محتوا و شرایطی را تعیین می‌کند که یک اقتصاد در آن عمل می‌کند. برخی فرهنگ‌ها اقتصادهای مولدتری را به وجود می‌آورند و لذا ارزش یا GDP بیشتری را تولید می‌کنند. فرهنگ لغت آکسفورد اقتصاد را این‌گونه تعریف کرده است: ارتباط میان تولید، تجارت و عرضه پول، در یک کشور یا منطقه مشخص در تعریفی دیگر اقتصاد، مجموعه بزرگی از فعالیت‌های به هم پیوسته تولیدی و مصرفی دانسته شده که به تعیین چگونگی تخصیص منابع کمیاب کمک می‌رسانند.^۲ اقتصاد همچنین به صورت «شبکه‌ای از تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان کالاها و خدمات در یک مکان، منطقه یا کشور» تعریف شده است. امروزه، طیفی وسیعی از حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی از جامعه‌شناسی (جامعه‌شناسی اقتصادی) و تاریخ (تاریخ اقتصادی) گرفته تا انسان‌شناسی (انسان‌شناسی اقتصادی) و جغرافیا (جغرافیای اقتصادی) به بررسی و تجزیه و تحلیل جنبه‌های مختلف اقتصادی حیات جمعی انسان‌ها می‌پردازد. با توجه به اهمیت رو به رشد بخش مالی اقتصاد، در عصر حاضر، تحلیلگران اصطلاح اقتصاد واقعی (به انگلیسی: real economy) را به کار می‌گیرند تا بخش واقعی اقتصاد را که واقعاً با تولید

کالاها و خدمات ارتباط دارد، از بخش مالی اقتصادی (یا اقتصاد کاغذی) تفکیک کند که مرتبط با خرید و فروش در بازارهای مالی است.

۴. اقتصاد و توسعه اقتصادی

پیش از انقلاب ایران (۱۳۵۷)، ایران رشد اقتصادی سریعی داشت. در طول دهه ۱۳۵۰ مدرن و صنعتی شدن جامعه ایران که به طور سنتی جامعه‌ای کشاورزی بود قابل توجه بود. خروج سرمایه از ایران درست پیش و پس از انقلاب تا سال ۱۳۵۹ حدود ۳۰ تا ۴۰ میلیارد دلار بود. پول فراوان نفت به محمدرضا پهلوی اجازه می‌داد که صنایع بزرگی را در خارج بخرد یا در ایران ایجاد کند اما این صنایع برای کشور توسعه نیافته ایران که فاقد صنایع پیشرفته بود استفاده چندانی نداشت. ضمناً نابودی کشاورزی در پی اصلاحات ارضی، ایران را به یک کشور مصرفی که برپایه پول نفت اداره می‌شد تبدیل کرد. جمعیت ایران در طی بیست سال بیش از دو برابر شد و هم‌زمان با افزایش جمعیت جوان، اگرچه بخش بزرگی از جمعیت از سال ۱۳۴۰ در بخش کشاورزی فعال بودند اما ایران واردکننده عمده مواد غذایی بود. مشکلات اقتصادی باعث مهاجرت مردم از حومه به شهرها گردید. پس از پایان جنگ ایران و عراق، دولت ایران سعی در توسعه ارتباطات، حمل و نقل، تولیدات، مراقبت‌های پزشکی، آموزش و صنعت انرژی (از جمله آینده نگری درباره قدرت هسته‌ای خود) و همچنین یکپارچه سازی ارتباطات و زیرساخت‌های حمل و نقل با کشورهای همسایه کرد. در طول جنگ با عراق، حدود ۳۰۰ هزار نفر از ایرانیان کشته و حدود ۵۰۰ هزار نفر دیگر مجروح شدند. ادعا می‌شود که این رویداد، خسارتی در حدود ۵۰۰ میلیارد دلار بر اقتصاد ایران تحمیل کرد.

توسعه اقتصادی عبارتست از رشد اقتصادی همراه با تغییرات بنیادین در اقتصاد و افزایش ظرفیت‌های تولیدی اعم از ظرفیت‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی. در توسعه اقتصادی، رشد کمی تولید حاصل خواهد شد اما در کنار آن، نهادهای اجتماعی نیز متحول خواهند شد. از سالیان بسیار دور، با افزایش سطح دانش و فهم بشر، کیفیت و وضعیت زندگی او همواره در حال بهبود و ارتقا بوده است. بعد از انقلاب فرهنگی-اجتماعی اروپا (رنسانس) و متعاقب آن انقلاب صنعتی، موج پیشرفت‌های شتابان کشورهای غربی آغاز گردید. تنها کشور آسیایی که تا حدی با جریان رشد قرن‌های نوزده و اوایل قرن بیستم میلادی غرب همراه گردید کشور ژاپن بود. بعد از رنسانس که انقلابی فکری در اروپا رخ داد، پتانسیل‌های فراوان این ملل، شکوفا و متجلی گردید اما متأسفانه در همین دوران، کشورهای شرقی روند روبه‌رشدی را تجربه نکرده و بعضاً سیری نزولی طی نمودند. البته بعضاً حرکت‌های مقطعی و موردی در این کشورها صورت گرفت اما از آنجاییکه با کلیت جامعه و فرهنگ عمومی تناسب کافی را نداشت و مورد حمایت واقع نگردید، به سرعت مزاحل گردید. محمدتقی خان امیرکبیر در ایران، نمونه‌ای از این دست است.

۵. نظریه‌ها و مکاتب مختلف توسعه اقتصادی

از قرن هجدهم و با رشد سریع صنایع در غرب، اولین اندیشه‌های اقتصادی ظهور نمود. این اندیشه‌ها، در پی تئوریزه کردن رشد در حال ظهور، علل و عوامل، راهکارهای هدایت و راهبری، و بررسی پیامدهای ممکن بود. از جمله مکاتب پایه در توسعه اقتصادی می‌توان به این موارد اشاره کرد.

آدام اسمیت یکی از مشهورترین اقتصاددانان خوشبین کلاسیک است که از او به عنوان "پدر علم اقتصاد" نام برده می‌شود. اسمیت و دیگر اقتصاددانان کلاسیک (همچون ریکاردو و مالتوس)، "زمین"، "کار" و "سرمایه" را عوامل تولید می‌دانستند. مفاهیم دست نامرئی "تقسیم کار"، "انباشت سرمایه" و "گسترش بازار"، اسکلت نظریه وی را در توسعه اقتصادی تشکیل می‌دهند. تعبیر "دست‌های نامرئی" آدام اسمیت را می‌توان، به طور ساده، نیروهایی دانست که عرضه و تقاضا را در بازار شکل می‌دهند، یعنی خواست‌ها و مطلوب‌های مصرف‌کنندگان کالاها و خدمات (از یک طرف) و تعقیب منافع خصوصی توسط تولیدکنندگان آنان (از طرف دیگر)، که در مجموع سطوح تولید و قیمت‌ها را به سمت تعادل سوق می‌دهند. او معتقد بود "سیستم مبتنی بر بازار سرمایه‌داری رقابتی" منافع همه طرف‌ها را تامین می‌کند. شهرت مالتوس بیشتر به نظریه جمعیتی وی مربوط می‌شود حال آنکه وی در مورد مسایل اقتصادی مانند اشباع بازار و بحران‌های اقتصادی نیز دارای نظریات دقیقی است.

ریکاردو با پذیرش نظریه جمعیتی مالتوس، به توسعه مکتب کلاسیک بنیان‌گذاری‌شده توسط اسمیت پرداخت. درحالی‌که اسمیت روی مساله "تولید" تاکید می‌ورزید، ریکاردو بر مبحث "توزیع درآمد" متمرکز گردید و بعداً نئوکلاسیک‌ها (شاگردان وی) بر "کارایی" متمرکز شدند.

از مجموع دیدگاه‌های اقتصاددانان کلاسیکی که گفتیم، مدل رشد اقتصادی کلاسیک سربرآورد. از دیدگاه آنان، توسعه اقتصادهای سرمایه‌داری، مسابقه‌ای بود بین پیشرفت فناوری و رشد جمعیت، که در آن برای مدتی، پیشرفت فناوری در راس قرار داشت اما روزی این سرآمدی پایان خواهد یافت (و یا دچار رکود می‌شود) و اقتصاد سیر نزولی در پیش خواهد گرفت. پیشرفت فناوری، به نوبه خود، وابسته به انباشت سرمایه است که بسترساز ماشینی‌شدن و تقسیم کار است. نرخ انباشت سرمایه نیز به سطح و روند تغییر سودها وابسته است. به طور خلاصه باید گفت، پیشرفت واقعی (به مفهوم برخورداری از یک سطح زندگی بالاتر که به‌گونه‌ای پایدار و مستمر در طی زمان رشد نماید) در این مدل وجود ندارد. بلکه مدل‌های رشد ارائه‌شده توسط این اقتصاددانان (کلاسیک)، نویدبخش توقف پیشرفت اقتصادی این کشورها در بلندمدت است، زمانی که دیگر درآمد سرانه، امکان رشد بیشتر را از دست خواهد داد.

مارکس برخلاف اسمیت، مالتوس و ریکاردو، سرمایه‌داری را غیرقابل تغییر نمی‌دانست. او به سرمایه‌داری به عنوان یکی از شیوه‌های تولیدی که با کمون اولیه شروع شد، سپس وارد مرحله برده‌داری شد و پس از آن شیوه تولید فئودالیسم در جوامع حاکم گردید، می‌نگریست. او معتقد بود سرمایه‌داری مرحله چهارم از شیوه‌های تولیدی رایج در جهان است که نهایتاً فرومی‌پاشد. این فروپاشی بخاطر رکود نخواهد بود بلکه به‌دلایل اجتماعی خواهد بود و نهایتاً جهان به یک مرحله نهایی به نام کمونیسم خواهد رسید. عقیده او نقطه مقابل استوارت میل محسوب می‌شود چون او سرمایه‌داری را مرحله نهایی توسعه انسانی می‌دانست. مارکس قدرت تولیدی سیستم سرمایه‌داری را مورد ستایش قرار می‌دهد اما هزینه انسانی تولید چنین ثروتی را (بخصوص توزیع شدیداً یک‌جانبه آن را) مورد انتقاد قرار می‌داد. او بر این باور بود که ارزش افزوده تولید، فقط ناشی از کار طبقه کارگر (پرولتاریا) است درحالی‌که سرمایه‌داران سهم غیرمتناسبی از

درآمد را صرفاً به خاطر تملک ابزار تولید به خود اختصاص می‌دهند. مارکس هوشمندانه دریافت که توزیع درآمد در جوامع سرمایه‌داری بسیار غیرمنصفانه و غیرعادلانه است.

از نظر مارکس هر یک از شیوه‌های تولید (کمون اولیه، برده‌داری و فئودالیسم، سرمایه‌داری، سوسیالیسم و کمونیسم) دارای دو مشخصه عمده "نیروهای تولید" و "روابط تولید" هستند. نیروهای تولید مربوط به ساختار فنی تولید (همچون سطح و نرخ تغییر فناوری، ابزارها و وسایل تولید، و منابع طبیعی) است درحالی‌که روابط تولید به شیوه‌های خاص روابط انسان‌ها در جریان تولید مربوط می‌شود. به عبارت دیگر، روابط تولیدی به روابط اجتماعی میان افراد به‌ویژه رابطه فرد با ابزار تولید گفته می‌شود. در نظام سرمایه‌داری، رابطه طبقاتی اولیه به صورت ارتباط بین سرمایه‌دار و طبقه کارگر غیرمالکی که مجبور است به‌منظور زنده‌ماندن برای سرمایه‌دار کار کند، بوجود آمد. از دیدگاه مارکس، موفقیت‌های طبقاتی براساس نقشی که هر کس در فرآیند تولید ایفا می‌کند، قابل تعریف است. تابع تولید عمومی مارکس، تقریباً شبیه تابعی است که توسط کلاسیک‌ها عرضه شده است، با این تفاوت که مارکس تأکید بیشتری بر روی ساختارهای نهادی و طبقاتی جامعه نموده است.

۶. بی‌ثباتی اقتصادی و توسعه اقتصادی، اجتماعی

وضع خاص کشورهای آسیایی سبب شده که فروش محصولات اولیه و مواد نفتی خام این کشورها به دیگر کشورهای جهان، بیشترین سهم درآمد ملی آن‌ها را تشکیل دهد. ولی بر خلاف کشورهای تولیدکننده نفت، غالب کشورهای در حال توسعه برای تامین بخش اعظم نیاز ارزی خود متکی به صادرات مواد اولیه غیرمعدنی هستند. از آن‌جا که بازار صادراتی این کالاها اغلب از ثبات کافی برخوردار نیست، وابستگی به صادرات این‌گونه کالاها همواره با نوعی خطر و بی‌ثباتی همراه است. علاوه براین، اغلب این کشورها متکی به واردات مواد خام، ماشین‌آلات، کالاهای سرمایه‌ای، کالاهای تولیدی واسطه‌ای و کالاهای مصرفی برای گسترش صنایع خود و رفع نیازهای مصرفی مردم خود هستند. اما معمولاً تقاضای واردات بیشتر از فروش کالاهای صادراتی است و بنابراین سبب ایجاد کسری مزمن در حساب جاری-کشور خواهد شد. این امر نیز با بی‌ثباتی بیشتری در اقتصاد این کشورها همراه است و در عین حال می‌تواند تا حد زیادی توانایی کشورها را برای تعیین مطلوب‌ترین استراتژی توسعه محدود کند.

۵.۱. افزایش امنیت و ثبات پولی با تثبیت پول و نرخ ارز

جهت ایجاد اعتماد در جامعه و افزایش سرمایه‌گذاری و پس‌انداز لازم است تا با سیاست‌ها و راهکارهایی، امنیت پولی ایجاد شود و نرخ ارز به صورت شناور مدیریت شده و با نوسان کم در مقداری معقول تثبیت گردد و همچنین وابستگی به ارزها کاهش یابد.

۵.۲. حمایت از تولید داخل و مهار و کاهش رکود عرضه

پس از ایجاد امنیت پولی و افزایش اعتماد به سرمایه‌گذاری، حمایت از تولیدات داخلی که ظرفیت‌های مناسبی در آن‌ها وجود دارد در گام بعدی قرار دارد تا علاوه بر کاهش رکود و کمبود عرضه که منجر به واردات می‌گردد، تا آن‌جا که ممکن است بیکاری کاهش یابد. دستیابی به اهداف بلندمدت اقتصادی و رشد و شکوفایی اقتصادی نیازمند همت

و تلاش همه‌جانبه و اراده و خواست عمومی است. یکی از جنبه‌های حمایتی در تولید ملی می‌تواند ثبات در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های اقتصادی باشد. تغییرات مداوم سیاست‌های اقتصادی و مقررات مالی و سرمایه‌گذاری رسیک سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد و سرمایه‌گذار تصویر درستی از آینده اقتصادی خود نخواهد داشت. و بنابراین تغییرات مداوم سیاست‌ها انگیزه‌ها را برای کار و تلاش و تولید کم می‌کند و در نتیجه صادرات را کاهش می‌دهد. لذا با توجه به اهمیت ثبات اقتصادی، در این مقاله به بررسی نقش بی‌ثباتی اقتصادی در توسعه اقتصادی ایران پرداخته شده و نتایج به دست آمده حاکی از آن است که مبادله خارجی رابطه مستقیم و نرخ تورم، کسری تراز بازرگانی، کسری بودجه رابطه معکوسی با توسعه اقتصادی ایران دارد. پس می‌توان این طور نتیجه گرفت که باثبات قیمت‌ها، کاهش-کسری بودجه، افزایش رابطه مبادله خارجی و ایجاد تعادل در تراز تجاری کشور تا سطحی که از نفت خام بی‌نیاز شود، می‌توان تولید را افزایش داد و در نتیجه با افزایش تولید، اقتصاد از یک ثبات نسبی بهره‌مند شده و به رشد پایدار اقتصادی دست خواهد یافت.

۶. شاخصه‌های توسعه اقتصادی

(رشد اقتصادی) به تعبیر ساده عبارت است از افزایش تولید کشور در یک سال خاص در مقایسه با مقدار آن در سال پایه. در سطح کلان، افزایش تولید ناخالص ملی (GNP) یا تولید ناخالص داخلی (GDP) در سال موردنیاز به نسبت مقدار آن در یک سال پایه، رشد اقتصادی محسوب می‌شود که باید برای دستیابی به عدد رشد واقعی، تغییر قیمت‌ها (به خاطر تورم) و استهلاک تجهیزات و کالاهای سرمایه‌ای را نیز از آن کسر کرد. منابع مختلف رشد اقتصادی عبارتند از: افزایش به کارگیری نهاده‌ها (افزایش سرمایه یا نیروی کار)، افزایش کارایی اقتصاد (افزایش بهره‌وری عوامل تولید) و به کارگیری ظرفیت‌های احتمالی خالی در اقتصاد. (توسعه اقتصادی) عبارت است از رشد همراه با افزایش ظرفیت‌های تولیدی اعم از ظرفیت‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی. در توسعه اقتصادی، رشد کمی تولید حاصل خواهد شد اما در کنار آن، نهاده‌های اجتماعی نیز متحول خواهند شد، نگرش‌ها تغییر خواهد کرد، توان بهره‌برداری از منابع موجود به صورت مستمر و پویا افزایش یافته، و هر روز نوآوری جدیدی انجام خواهد شد. به علاوه می‌توان گفت ترکیب تولید و سهم نسبی نهاده‌ها نیز در فرآیند تولید تغییر می‌کند. توسعه امری فراگیر در جامعه است و نمی‌تواند تنها در یک بخش از آن اتفاق بیفتد. توسعه، حد و مرز و سقف مشخصی ندارد بلکه به دلیل وابستگی آن به انسان، پدیده‌ای کیفی است (برخلاف رشد اقتصادی که کمالاتی است) و هیچ محدودیتی ندارد.

۶.۱. شاخص برابری قدرت خرید (PPP)

از آنجاکه شاخص درآمد سرانه از قیمت‌های محلی کشورها محاسبه می‌شود و معمولاً سطح قیمت محصولات و خدمات در کشورهای مختلف جهان یکسان نیست، از شاخص برابری قدرت خرید استفاده می‌شود در این روش، مقدار تولید کالاهای مختلف در هر کشور، در قیمت‌های جهانی آن کالاها ضرب شده و پس از انجام تعدیلات لازم، تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه آنان محاسبه می‌گردد.

برای اینکه بتوان عملکرد اقتصاد کشورها را سنجید و آن را با دیگر کشورها مقایسه کرد باید از یک شاخص اقتصادی بهره برد. شاخص "تولید ناخالص داخلی" اکنون پرکاربردترین شاخص برای اندازه‌گیری حجم اقتصاد است که نشان می‌دهد کل ارزش فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی و دولتی طی یک دوره زمانی مشخص برای مثال یک سال چقدر بوده است.

۶.۲. شاخص درآمد پایدار (SSI, GNA)

کوشش برای غلبه بر نارسایی‌های شاخص درآمد سرانه و توجه به «توسعه پایدار» به جای «توسعه اقتصادی»، منجر به محاسبه شاخص درآمد پایدار گردید. در این روش، هزینه‌های زیست‌محیطی که در جریان تولید و رشد اقتصادی ایجاد می‌شود نیز در حساب‌های ملی منظور گردیده (چه به عنوان خسارت و چه به عنوان بهبود منابع و محیط زیست) و سپس میزان رشد و توسعه به دست می‌آید.

۶.۳. شاخص‌های ترکیبی توسعه

از اوایل دهه ۱۹۸۰، برخی از اقتصاددانان به جای تکیه بر یک شاخص انفرادی برای اندازه‌گیری و مقایسه توسعه اقتصادی بین کشورها، استفاده از شاخص‌های ترکیبی را پیشنهاد کردند. این شاخص‌ها بر اساس چند شاخص اصلی و همچنین چند زیرشاخه تعریف می‌شدند.

۶.۴. شاخص توسعه انسانی (HDI)

شاخص توسعه انسانی نام علمی (Human Development Index (HDI) : شاخصی ترکیبی است برای سنجیدن موفقیت در هر کشور، در سه معیار پایه از توسعه انسانی: این شاخص در سال ۱۹۹۱ توسط سازمان ملل متحد معرفی شد که براساس این شاخص‌ها محاسبه می‌گردد: درآمد سرانه واقعی (براساس روش شاخص برابری خرید)، امید به زندگی (در بدو تولد)، و دسترسی به آموزش (که تابعی از نرخ باسوادی بزرگسالان و میانگین سال‌های به مدرسه رفتن افراد است). از سال ۱۹۹۰، هر ساله گزارشی با نام گزارش توسعه انسانی توسط برنامه توسعه سازمان ملل متحد منتشر می‌شود و در آن کشورها در شاخص‌های مختلفی مانند شاخص‌های آموزشی، بهداشتی، اقتصادی، اجتماعی، محیط‌زیستی، سیاسی و... مورد مقایسه قرار می‌گیرند. در گزارش توسعه انسانی، کشورها را بر اساس میزان شاخص توسعه انسانی به گروه‌های کشورهای با توسعه انسانی بسیار زیاد، کشورهای با توسعه انسانی زیاد، کشورهای با توسعه انسانی متوسط و کشورهای با توسعه انسانی کم (پایین) تقسیم می‌کنند. در گزارش سال ۲۰۱۰، سوئد در گروه کشورهای با توسعه انسانی زیاد (بالا) قرار گرفته است.

۶.۵. حضور فعال زنان در عرصه اجتماعی

هر چه حضور فعال زنان در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بیشتر باشد، جامعه توسعه یافته‌تر است. در جوامع توسعه نیافته، زنان اکثراً در خارج از خانه شاغل نیستند و به این ترتیب نیروی انسانی در این کشورها به نصف کاهش یافته است. آنچه در حوزه زنان تجربه می‌کنیم در بطن نو شدن جامعه ایرانی است و در این زمینه باید بسترهای فرهنگی و فرهنگ بومی را مورد توجه قرار دهیم. خاستگاه بسیاری از نظریه‌های پست‌مدرن، جوامعی است که به دلیل

شکل‌گیری شرایط خاص اقتصادی و فرهنگی در این جوامع، با مسائل خاصی روبه‌رو شده‌اند. در جوامع توسعه‌یافته که نگاه انسان به خود و جهان تحت تأثیر مجموعه عواملی مرتبط با هم؛ مانند تغییر در نگرش و تغییر در نظام اقتصادی و سیاسی قرار می‌گیرد، نگاه انسان به خود و جامعه و سعادت تغییر پیدا می‌کند؛ اما کشورهای جهان سوم به بخشی تعلق دارند که مدرنیته بر آنها عارض شده و یک تحول درونی نبوده است. این مسئله خاص کشور ما نیست و حتی در روسیه نیز در نوع مواجهه با مدرنیته این تعارض وجود دارد.

۶.۶. استقلال ملی

به این مفهوم که سایر دولت‌ها به میزان زیادی نتوانند بر تصمیمات دولت ملی نفوذ و تأثیر بسزا داشته باشند. بحث استقلال سیاسی و استقلال اقتصادی بیشتر به کشورهای در حال توسعه مربوط می‌شود. در این جا استدلال شده که نه تنها استقلال اقتصادی پیوندی عمیق با استقلال سیاسی دارد. بلکه شرط لازم برقراری آن، استقلال سیاسی است. متعاقب گذر از سطح خاصی از بلوغ استقلال سیاسی، زمینه نمو استقلال اقتصادی فراهم می‌گردد. متقابلاً در سطوح مختلف توسعه اقتصادی، شدت رشد استقلال و توسعه سیاسی متفاوت است. هر اندازه سطح توسعه‌یافتگی کشورها پایین‌تر باشد، تجربه مردم آنها در کسب استقلال سیاسی کمتر است و هر چقدر در استقلال سیاسی کم‌تجربگی بیشتر مشهود باشد، آشنایی مردم با استقلال اقتصادی کم‌مایه‌تر خواهد بود. بنابراین رابطه‌ای که بین توسعه‌یافتگی و استقلال در وجود سیاسی و اقتصادی برقرار است، به شکل معادله‌ای خطی می‌باشد.

تحقق سایر اهداف ملی تابعی از تحقق استقلال به معنای واقعی آن می‌باشد. تا زمانی که ملتی به استقلال نرسد اصولاً به عنوان عضوی از جامعه بین‌المللی پذیرفته نخواهد شد، آنگاه خواهد توانست خود را از سلطه دولت دیگر آزاد کرده و حق تعیین سرنوشت را از آن خود ساخته و به جای قوانین جزایی و کیفری دولت بیگانه قوانین و نهادهای بومی ایجاد کند؛ حال باید یکی پس از دیگری وظایف خود را انجام دهد. به عبارت دیگر، پس از اتمام پویش ملت‌سازی سایر اهداف ملی تحقق می‌یابد که کسب استقلال یکی از مختصات حقوقی-سیاسی این پویش می‌باشد. از این جا به بعد است که کارکردهای کلانی چون امنیت ملی، یکپارچه سازی ملی و استمرار یا تثبیت آن، توسعه و رفاه ملی بر عهده دولت جدیدی خواهد بود که به جای دولت استعمارگر یا سلطه‌گر یا امپراتوری فروپاشیده، زمام حکومت و قدرت را در دست دارد. به عنوان مثال، تا قبل از فروپاشی اتحاد شوروی برای جمهوری‌هایی چون ترکمنستان و تاجیکستان، رسالتی چون تأمین امنیت ملی وجود نداشت؛ زیرا ارتش سرخ شوروی در سراسر این امپراتوری اعمال فوق را انجام می‌داد، چرا که اولاً ارتش جداگانه‌ای به نام ارتش ترکمنستان وجود نداشت، ثانیاً به علت حاکمیت مطلق شوروی امکان تحقق چنین ارتشی نبود، ثالثاً استقلالی برای کشور فوق مفروض نبود ولی پس از فروپاشی مسائلی چون یکپارچگی بر دوش برخی از این ملت‌های تازه استقلال یافته می‌افتد. جمهوری فدراتیو روسیه با استقلال خواهی چنین اینگوش روبه‌رو می‌شود، جمهوری گرجستان با جنبش جدایی طلبی اقلیت آغازی درگیر می‌شود، دو جمهوری آذربایجان و ارمنستان بر سر قره‌باغ به جنگ و نبرد مسلحانه می‌پردازند، جمهوری تاجیکستان با جنبش اسلامی خواهان نفوذ طلب و سهم شدن در قدرت وارد کشمکش می‌شود، جمهوری ترکمنستان با مشکلات اقتصادی چون کشیدن راه‌آهن

عشق‌آباد- سرخس و لوله نفت و گاز و فشارهای بین‌المللی موافقو مخالف سخت دست و پنجه نرم می‌کند (توسعه و رفاه)، در حالی که هیچ یک از این مشکلات در زمان استیلای روسها بر آنها وجود نداشته است.

۶,۷. استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی و روابط فی‌ما بین استقلال سیاسی و استقلال اقتصادی

نکته مهم بحث استقلال سیاسی و استقلال اقتصادی برای کشورهای در حال توسعه است. در اینجا باید گفت نه تنها استقلال اقتصادی پیوندی عمیق با استقلال سیاسی دارد، بلکه شرط لازم برقراری آن، استقلال سیاسی است. متعاقب گذر از سطح خاصی از بلوغ استقلال سیاسی، زمینه نمو استقلال اقتصادی فراهم می‌گردد. متقابلاً در سطوح مختلف توسعه اقتصادی، شدت رشد استقلال و توسعه سیاسی متفاوت است. از استثنائاتی چون روند پیشرفت استقلال طلبی در سرزمین هند که بگذریم، هر اندازه سطح توسعه‌یافتگی کشورها پایین‌تر باشد، تجربه مردم آنها در کسب استقلال سیاسی کمتر است و هر چقدر در استقلال سیاسی کم‌تجربگی بیشتر مشهود باشد، آشنایی مردم با استقلال اقتصادی کم‌مایه‌تر خواهد بود. بنابراین رابطه‌ای که بین توسعه‌یافتگی و استقلال در وجوه سیاسی و اجتماعی و اقتصادی برقرار است، به شکل معادله‌ای خطی می‌باشد.

۶,۸. ارتباط عوامل اقتصادی با استقلال سیاسی

نایره که در طول زندگی سیاسی خود از سخنگویان کشورهای جهان سوم در مقابله با قدرت‌های استعماری بود، از احترام خاصی در محافل بین‌المللی و جهان سوم برخوردار است. این سخنان را که قسمتی از آن نقل می‌شود، در مورد مذاکرات شمال- جنوب و تلاش گروه ۷۷ در جهت برقراری نظام نوین اقتصادی بین‌المللی ایراد نموده است. حال در این قسمت، به پاره‌ای از سخنان «جولیوس نایره» رئیس‌جمهوری سابق تانزانیا اشاره می‌گردد که بخوبی اهمیت عوامل اقتصادی و ارتباط آنها را با استقلال سیاسی تشریح نموده است: «... طی مبارزات سیاسی خود، برخی تصور می‌کردند که استقلال سیاسی، نقطه پایانی فرایند رهایی از سلطه است. بدین صورت که استقلال کسب می‌شود، عضویت سازمان ملل به دست می‌آید، رئیس‌جمهوری انتخاب می‌شود و ۲۱ تیرتوپ هم به افتخار وی شلیک می‌شود. اگرچه تصور غایی برخی بیش از این نبود، اما با وجود این، همه ما اینقدر هم ساده لوح نبودیم. ما می‌دانستیم آزادی سیاسی وسیله‌ای است که جهت تداوم روند رهایی به کارگرفته می‌شود. با این حال معدودی تشخیص می‌دادند که این فرایند پیچیده خواهد بود. افسوس که اکنون می‌فهمیم، استقلال سیاسی کافی نیست. باید استقلال اقتصادی داشته باشیم و بسیار مهم است، پیش از آنکه بتوانیم فرایند رهایی از سلطه را به نتیجه منطقی خود هدایت کنیم، مشکلات و حوزه‌های سلطه اقتصادی را با دید سیاسی بنگریم. ما مسأله استعمار را در چارچوب صحیح آن درک کرده، به عنوان پدیده‌ای شوم محکوم کردیم. پدیده‌ای که رهبران نهضت‌های ملی با دیدی سیاسی به آن می‌نگریستند.

۶,۹. استقلال اقتصادی و کاهش وابستگی

در چارچوب بحث لی‌وابستگی، نکته دیگری که در نقطه مقابل قرار داشته و بسیار حائز اهمیت است و باید کمی پیرامون آن نیز توضیح داده شود، مسأله استقلال اقتصادی است. همان طوری که قبلاً نیز متذکر شدیم، استقلال اقتصادی نه تنها، پیوندی عمیق با استقلال سیاسی دارد، بلکه شرط لازم تداوم آن است. پس از گذر از استقلال سیاسی،

زمینه نمو استقلال اقتصادی فراهم می‌گردد. مسأله استقلال اقتصادی نگاهی دقیق‌تر به جهان سوم، این واقعیت غم‌انگیز اما غیرقابل بحث را فاش می‌سازد که پاره‌ای از کشورهای آسیا، آفریقا و امریکای لاتین از نظر اقتصادی، از کشورهای پیشرفته صنعتی، در فاصله بسیار عقب‌تری گام برمی‌دارند. اگر عقب‌ماندگی صنعتی کشورهای جهان سوم را فقط ناشی از فقدان یا کمبود تأسیسات صنعتی بدانیم، اشتباه کرده‌ایم؛ زیرا این گونه تأسیسات در جهان مستعمره پیشین، به قدر کافی وجود دارند. از این گذشته، نیروی انسانی که در کشورهای آسیایی، آفریقایی و امریکایی لاتین، در صنایع مشغول کار است، از جهت کمیت، با آنچه که در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری وجود دارد، مساوی است؛ بدین معنی که بالغ بر ۲۰۰ میلیون نفر می‌شود. اشکال در اینجاست که اکثریت قابل ملاحظه این تأسیسات به دستگاههای قدیمی غیرقابل انتفاع و کارایی بالا مجهز بوده و در نتیجه از راندمان تولید پایین برخوردارند. بنابراین باید عامل منحوس عقب‌ماندگی را در رشد بسیار پایین نیروهای تولید کننده و همچنین پایین بودن سطح کارایی کارگران جستجو کرد. در مورد کشاورزی هم همین قاعده جاری است، خلاصه اینکه سطح کارایی کارگر در این کشورها، نه تنها در زمینه صنعتی بلکه در کشاورزی نیز، بسیار پایین است.

۶.۱۰. مبارزه برای کسب استقلال اقتصادی

با وجود اهمیت تاریخی فراوان انهدام نظام استعماری، بدیهی است که این تحول، نشانه پایان یافتن کامل تعدیات خارجی بر کشورهای آسیا، آفریقا و امریکایی لاتین نبوده. همچنین به معنی این نیست که مبارزه‌رهایی بخشی ملی پایان یافته است. از هم پاشیده شدن نظام استعماری، نقطه عطفی در این مبارزه بوده، نشان دهنده این حقیقت است که مبارزه مذکور باید وارد مرحله مهم نوینی شود. در مراحل قبلی، این مبارزه برای به دست آوردن استقلال سیاسی بود و در مرحله کنونی هدف، کاهش وابستگی و کسب استقلال اقتصادی است. با این حال، این استنتاج که کشورهای مورد بحث، دیگر نیازی ندارند که در حال جنگ سیاسی با امپریالیزم باشند، کاملاً اشتباه است، بر عکس همه آنها کم و بیش تحت فشار امپریالیست‌ها و گاهی فشار شدید نظامی هم قرار می‌گیرند و برخی نیز قربانی تجاوزات علنی می‌گردند. در حقیقت، پاره‌ای از این کشورها، هنوز زیر یوغ رژیم استعماری قرار دارند و برای این عده، هدف فوری و اصلی از مبارزه‌رهایی بخشی نه تنها کسب استقلال اقتصادی است بلکه به دست آوردن حاکمیت ملی و آزادی سیاسی نیز هست. با این حال امروزه، هدف اصلی، کاهش وابستگی و به دست آوردن استقلال اقتصادی است زیرا که بسیاری از کشورها تاکنون استقلال سیاسی خود را به درجات مختلف به دست آورده‌اند.

۶.۱۱. نقش دولت و عوامل سیاسی و تشکیلاتی در رشد و توسعه مستقل

دولت و عوامل سیاسی و تشکیلاتی نقش مهمی در رشد نوین اقتصادی دارند. رشد اقتصادی بریتانیا، آلمان، امریکا، ژاپن، فرانسه، هلند تا حدی به دلیل ثبات سیاسی، بوروکراسی و تشکیلات اداری قوی این کشورها از قرن نوزدهم به بعد است. بجز امریکا، سایر این کشورها در هر دو جنگ جهانی شرکت فعال و مؤثر داشتند و در طول دو جنگ تخریب و منهدم شدند. با این حال هنوز می‌توانند به دلیل سنت‌های سیاسی و تشکیلاتی خود توسعه اقتصادی پیدا کنند. از طرف دیگر کشور ایتالیا نتوانست همان راه را طی کند و به سطحی از رشد اقتصادی همانند کشورهای فوق‌الذکر

برسد. دلایل عمده آن بی ثباتی سیاسی و تشکیلات اداری فاسد و ضعیف است. صلح، سیاستهای حمایتی و ثبات سبب ترغیب و بروز قوه خلاقیت و ابتکار می شود. یکی از مشکلات غیر اقتصادی که به مثابه عاملی منفی در مقابل توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه عمل می کند، ساختار ضعیف تشکیلاتی و سیاسی این کشورهاست. تشکیلات اداری قوی، منظم، منسجم، کارا و سالم برای توسعه اقتصادی ضروری است. چون بوروکراسی گسترده در کشورهای در حال توسعه می تواند همیشه به مثابه مانعی در پروسه رشد اقتصادی ظاهر گردد. رفتار دولت، نقش مهمی در شتاب دادن و کند کردن فعالیت های اقتصادی دارد. ثبات سیاسی و حمایت قانونی، قوه ابتکار را تشویق می کند. همین طور پیشرفت های فنی، تحرک جغرافیایی، بازارهای بزرگ فروش و تهیه عوامل تولید می توانند به روند پیدایش قوه ابتکار و نوآوری شتاب دهند.

۷. تأثیر برجام بر میزان سرمایه گذاری خارجی در ایران در سال های ۱۳۹۴-۱۳۹۷ و توسعه صنایع دستی

معاصر ایران

۸۰ پرونده سرمایه گذاری خارجی در ۱۱ ماه گذشته تشکیل و از این میان ۱۳ میلیارد دلار سرمایه خارجی جذب شده است. جالب است که اروپایی ها این بار جذابیت نفت و گاز ایران را نادیده گرفته و بیشتر در زمینه انرژی خورشیدی و بادی سرمایه گذاری کرده اند. در سال ۹۴ در مجموع ۳،۴ میلیارد دلار سرمایه گذاری خارجی در کشورمان انجام شد و به این ترتیب امسال صدور مجوزها حدود ۴ برابر شده است. حالا برجام موجب شده است که اقتصاد خارجی ایران از تسخیر چینی ها درآمده و به سمت سرمایه گذاران اروپایی چرخش پیدا کند. با این وجود فعالان اقتصادی معتقدند ایران برای رسیدن به رشد اقتصادی و توسعه کافی نیاز به چند برابر سرمایه گذاری های انجام شده دارد. آنها معتقدند اقتصاد کشور بیشتر از آن که درگیر روابط سیاسی ایران با سایر کشورها باشد، زمین گیر فضای ناکارآمد و دشوار کسب و کار در ایران است. برجام راه سرمایه گذاری خارجی را هموار کرد از فروردین ماه امسال یعنی از زمانی که بعد از اجرای برجام به طور جدی پای هیأت های تجاری و اقتصادی به ایران باز شد تا الان حدود ۱۳ میلیارد دلار مجوز سرمایه گذاری خارجی صادر شده است. البته از این میزان حدود ۳،۵ میلیارد دلار ورود سرمایه اتفاق افتاده است.

7.1 تأثیر تحریم ها بر شاخص توسعه انسانی ایران

هر ساله بانک جهانی این شاخص را بر پایه برآوردهای ملی، منطقه ای و جهانی منتشر می کند. این شاخص که برای نخستین بار در سال ۱۹۹۰ منتشر شد، کشورها را در چهار دسته با توسعه انسانی اندک، میانه، بالا و بسیار بالا جای می دهد، و ایران در این سال ها بیشتر در دسته بالا جای داشت است. جایگاه ایران از سال ۱۹۹۰ رو به پیشرفت بوده و از رده ۸۹ در این سال به رده ۶۰ در سال ۲۰۱۷ (گزارش سال ۲۰۱۸) جهش کرده است. بررسی شاخص ها گویای آن است که در سال های نخستین مهم ترین علت بهبود جایگاه ایران بهبود امید به زندگی در پی راه اندازی سامانه شبکه بهداشتی و کاهش مرگ و میر مادران و نوزادان بوده و علت بهبود شاخص پایه تندرستی نیز تا اندازه ای برآمده از بالارفتن درآمد سرانه کشور در آن سال ها بوده است. در این گزارش به بررسی سه شاخص توسعه انسانی: تندرستی (امید به زندگی)، آموزش و درآمد سرانه می پردازیم و تأثیر تحریم ها بر آنها را نشان می دهیم.

۷.۲. نرخ امید به زندگی

امید به زندگی را کارشناسان میانگین سال‌هایی می‌دانند که گمان می‌رود که فرد زندگی خواهد کرد. بررسی روند این شاخص بیانگر آن است که در سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۷ این شاخص از رشدی مثبت برخوردار بوده و از ۶۳/۸ در ۱۹۹۰ به ۷۶/۲ در ۲۰۱۷ رسیده که بیشترین آن نیز میان سالهای ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۵ بوده و در پی آن شاخص توسعه انسانی نیز رشدی چشمگیر کرده است. بررسی شاخصهای گوناگون در زمینه تندرستی نشانگر آن است که دگرگونی‌های شاخص امید به زندگی و بالارفتن آن در این سال‌ها برپایه نرخ بیماری‌های واگیردار و مزمن و پیشرفتهای انجام شده در زمینه پزشکی و سلامت چشمگیر است، ولی این روند می‌تواند در سالهای آینده و با تحریم‌های اعمال شده دگرگون شود؛ چراکه کاهش امنیت غذایی و کاهش دسترسی به مراقبتهای پیشگیری و خدمات درمانی به ویژه داروها و تجهیزات مورد نیاز برای تشخیص بهنگام و درمان بیماری‌ها می‌تواند امید به زندگی درخور و سالم را کاهش دهد و به کاهش نرخ امید به زندگی بینجامد.

۷.۳. آموزش

در زمینه سالهای آموزش و سالهای قابل انتظار آموزش، ایران از جایگاه رو به رشدی برخوردار بوده تا آنجا که زیرشاخص سالهای آموزش در سال ۱۹۹۰، ۴/۲ بوده که در سال ۲۰۱۷ ۹/۸ شده است. در زیرشاخص سالهای قابل انتظار آموزش نیز همین رشد را می‌بینیم که از ۹/۲ در سال ۱۹۹۰ به ۱۴/۹ در ۲۰۱۷ افزایش یافته است. گفتنی است که هر چند این شاخص‌ها رو به بالا بوده، اما به علت رشد بالای دیگر کشورها جایگاه ایران گه‌گاه پایین نیز آمده است. توانایی مالی خانواده‌ها، پخش برابر امکانات آموزشی، رایگان بودن آموزش و کیفیت آن و در دسترس بودن آموزش از مهم‌ترین متغیرهایی‌اند که بر دو شاخص سالهای آموزش و سالهای قابل انتظار آموزش تأثیرگذارند. در این زمینه، بررسی‌ها نشان می‌دهند که مهم‌ترین عامل بازماندگی از تحصیل و ترک تحصیل تنگدستی خانواده‌ها است. زین‌رو، بر توجه به آنچه که تحریم بر سر ایرانیان می‌آورد و هزینه‌های اقتصادی خانوارها و به دنبال آن هزینه‌های آموزش را افزایش می‌دهد، نرخ ترک تحصیل و بازماندگی از تحصیل در سالهای پیش رو افزایش خواهد یافت و این امر نیز به کاهش این شاخص و در کل توسعه انسانی ایران خواهد انجامید.

۷.۴. درآمد سرانه

درآمد سرانه ایرانیان در سال ۱۹۹۰، ۱۱۴۰ دلار بوده است که این درآمد در سال ۲۰۱۷ به ۱۹۱۳۰ رسیده است. بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد این بالارفتن درآمد سرانه نیز برآمده از افزایش فروش نفت بوده است. از همین موضوع می‌توان پیش‌بینی کرد که با تحریم‌های کنونی و کاهش فروش نفت درآمد سرانه در جمهوری اسلامی کاهش خواهد یافت و این موضوع به ضعیف شدن جایگاه ایران در شاخص درآمد سرانه و در نتیجه تنزل شاخص کلی توسعه انسانی ایران در سالهای پیش رو خواهد انجامید. می‌توان پیش‌بینی کرد که در سالهای آینده بر اثر شدت یافتن تحریم‌ها، دشواری زندگی و گذران آن مردم را به سوی کاهش سهم سلامت و آموزش خواهد کشاند و این امر به کاهش شاخص توسعه انسانی ایران خواهد انجامید که پیامدهای بلندمدت منفی برای پیشرفت ایران و شهروندان ایرانی به دنبال

خواهد داشت. زین‌رو برای نگهداشت جایگاه کشور در شاخص جهانی توسعه انسانی، چه از دیدگاه رده و چه از زاویه آثار اجتماعی آینده، بر دولت است که سیاست‌هایی راهبردی برای حفظ سطح برخورداری ایرانیان از خدمات سلامتی و آموزشی در پیش گیرد و برنامه‌هایی روشن برای از میان برداشتن آثار تحریم‌ها تدوین کند.

۷.۴. برجام و توسعه روابط اقتصادی

بنا به درخواست جمهوری اسلامی ایران، نشست کمیسیون مشترک برجام در سطح وزرا در تاریخ پانزده تیرماه در وین برگزار شد. کمیسیون مشترک به منظور بحث در مورد مسیر پیش رو برای حصول اطمینان از اجرای مستمر توافق هسته‌ای در تمامی ابعاد آن و بررسی مسائل حل نشده ناشی از خروج یکجانبه آمریکا از این توافق و وضع مجدد تحریم‌هایی که وفق برجام و پیوست شماره دو آن رفع شده بود؛ موضوعی که عمیقاً موجب تاسف اعضای کمیسیون مشترک گردیده است، تشکیل شد. کمیسیون مشترک مسئولیت نظارت بر اجرای برجام را برعهده دارد.

۷.۵. صنایع دستی معاصر ایران

به موازات برداشتن تحریم‌ها و گشوده شدن فرصت‌های اقتصادی بیشتر، صنایع دستی نیز از محدودیت‌های موجود برای فروش‌رهایی یافت. بدون تردید اقتصادی‌ترین گزینه فرهنگی و هنری ایران، صنایع دستی آن است. اگر از منظر درآمدزایی و تولید انبوه نظر افکنیم، به هیچ روی نمی‌توانیم نقش اقتصاد را در این زمینه نادیده بگیریم. تاریخ صنایع دستی ایران با تاریخ زندگی انسان و معاش او درهم تنیده شده، از بافت نخستین زیراندازها تا ساختن ظروف و قلمدانها و بسیاری وسایل کاربردی و در عین حال هنری دیگر؛ همه نشان از درهم تنیدگی هنر و اقتصاد در ایران داشته است. از دیرباز، هر زمان که صنایع دستی ایران، بازارهای تجاری دیگر ممالک را تسخیر می‌کرد، حمایت مالی و اعتباری شاهان را به همراه داشت. در دوره معاصر و پس از جنگ تحمیلی و پیشرفت روزافزون تولیدات صنعتی، همچنین واردات بی‌رویه کالاهای چینی، صنایع دستی رو به افول گذاشت. با این وجود هنوز هم صنایع دستی ایران و به خصوص فرش و قالی ایرانی از مهمترین منبع درآمد ارزی ایران است (پروری، ۱۳۹۲: ۱). با این تفاسیر صادرات فرش ایران، تا حد زیادی به تحریم‌ها و قوانین تنبیهی بین‌المللی گره خورده بود ولی با برجام و حذف تحریم‌ها این شرایط بهبود نسبی یافت.

۸. تأثیرات برجام بر اقتصاد ایران از نگاه آمریکایی‌ها یافت.

اکثر تحریم‌های غرب علیه ایران حدود هشت ماه پیش برداشته شد و این کار به صورت همزمان با اجرای رسمی توافق هسته‌ای انجام شد. با این اتفاق، ایران به دهها میلیارد دلار از دارایی‌های مسدود شده اش در خارج از کشور دسترسی پیدا کرد. ایران دهها قرارداد با شرکتهای بین‌المللی امضا کرده است. ارزش این قراردادها که در حوزه‌هایی از قبیل خرید هواپیما و ساخت کارخانه و اجرای پروژه‌های زیرساختی و صنایع مختلف است، دهها میلیارد دلار است. میزان صادرات نفتی ایران حالا به سطحی رسیده که نزدیک به میزان صادرات نفتی در دوران قبل از تحریم‌ها یعنی حدود دو نیم میلیون بشکه در روز است. شرکت‌های هواپیمایی اروپایی نیز پروازهای مستقیم خود را به ایران بار دیگر از سر

گرفته اند. براساس برآوردهای بانک جهانی نیز اقتصاد ایران در سال ۲۰۱۶ میلادی، رشد اقتصادی بیش از چهار درصد خواهد داشت که این وضع اقتصادی ایران با اوضاع آن پیش از توافق هسته ای، تفاوت آشکار دارد. باوجود این، حتی یک بانک بزرگ اروپایی ارتباط جدی با بخش مالی ایران را شروع نکرده است. در سال ۹۶ به نظر می‌رسید ادامه حرکت ۵ سال گذشته دولت بوده است؛ به خاطر این که دولت در شرایطی اقتصاد را تحویل گرفت که دو سال پیاپی (۹۱ و ۹۲) اقتصاد ایران حدود ۸ درصد کوچک شده بود. روند رو به جلو رشد اقتصادی در سال ۹۶ ادامه یافت اما در سال ۹۵ رشد اقتصادی دو رقمی و ۱۲ درصدی داشتیم که در سال گذشته نتوانستیم آنرا تکرار کنیم. دلیل این بود که سال ۹۵ بخش عمده رشد اقتصادی متأثر از نفت بود و در سال ۹۶ ظرفیت خالی نفت قبلاً استفاده شده بود؛ لذا به نظر می‌رسد رشد اقتصادی حدود ۴ درصدی سال گذشته مربوط به بخش غیرنفتی بوده است.

نتیجه‌گیری

پس از ۱۲ سال مقاومت نظام اسلامی در نبرد دیپلماتیک در برابر زورگویی‌های استکبار جهانی در خصوص برنامه‌های هسته‌ای ایران و مذاکرات پر فراز و نشیب در طی این مدت و به ویژه ۲۲ ماه اخیر، سرانجام منجر به نهایی شدن مذاکرات و جمع‌بندی متن مشترک پیرامون برنامه هسته‌ای، تحت عنوان برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) شد که از آن می‌توان به عنوان مرحله جدیدی از فرآیند مسئله هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران نام برد. با این حال، این مرحله به معنای پایان زورآزمایی طرفین و حل و فصل برنامه هسته‌ای نیست، زیرا بر اساس سند برجام، مراحل اجرای توافق هسته‌ای دارای پنج مرحله زیر است: توافق برجام توافقی در سطح بین‌المللی است و تعهداتی بین‌المللی برای جمهوری اسلامی ایران دارد. بنابراین، تصمیم‌گیری برای تصویب آن نیاز به تشریفات قانونی در کشور دارد. از همین منظر رهبر انقلاب در پاسخ به نامه ریاست جمهوری فرمودند: «لازم است متنی که فراهم آمده با دقت ملاحظه و در مسیر قانونی پیش‌بینی شده قرار گیرد». توافق برجام، توافقی است در ارتباط با منافع ملی ایران لذا با عنایت به گره خوردن این توافق با منافع و مصالح ملی و سرنوشت کشور، ارزیابی و تصمیم‌گیری درباره آن از وزن راهبردی برخوردار است. «از ملت عزیز انتظار داریم که همچنان وحدت و متانت خود را حفظ کنند تا بتوان در فضای آرام و خردمندانه به منافع ملی دست یافت. در عین حال رهبر معظم انقلاب به افکار عمومی اطمینان خاطر دادند که مسؤولان و مجاری قانونی در بازبینی و ارزیابی برجام، منافع ملی را مد نظر قرار دهند: «ملت ایران نیز باید متحد باشد و قضایای هسته‌ای نباید زمینه ساز دودستگی در کشور شود زیرا موضوع هسته‌ای به وسیله‌ی مسؤولان مربوطه خود در حال پیگیری است و مسؤولان به دنبال منافع ملی هستند. توافق برجام تأثیر بلافصل بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد. از این رو، برآیند ارزیابی و جمع‌بندی این توافق باید تأمین‌کننده امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران باشد. برخی طرف‌های توافق عهدشکن هستند. از این رو، حساسیت، ارزش و اهمیت برجام تنها در روز نهایی شدن جمع‌بندی‌های مذاکرات نیست بلکه همه مراحل پیش‌بینی شده در برجام را شامل می‌شود.

منابع

کتابها

- ابراهیم گل، علیرضا. (۱۳۹۰). مسئولیت بین‌المللی دولت (متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل)، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- احدیان، محمدسعید. (۱۳۹۴). برجام در تحلیل کلان و خرد، مشهد: مؤسسه فرهنگی - هنری خراسان.
- افرازکنجین، مهدی و زمانیان‌دهکردی، محمدجواد. (۱۳۹۴). هلی بُرن از پشت میز (اهداف راهبردی ایالات متحده از پیگیری مذاکرات دوجانبه با ایران در موضوع هسته‌ای)، قم، نشر مجد اسلام (مؤسسه شهید کاظمی).
- بعیدی‌نژاد، حمید. (۱۳۹۴). گام به گام با برجام از آغاز تا فرجام، تهران، نشر مخاطب.
- بیگزاده، ابراهیم. (۱۳۸۹). حقوق سازمان‌های بین‌المللی، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- پژوهشکده حقوقی شهر دانش. (۱۳۹۵). برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- پژوهشکده شورای نگهبان. (۱۳۹۲). ماهیت حقوقی برنامه اقدام مشترک ژنو، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.
- خلف‌رضایی، حسین. (۱۳۹۴). موافقت‌نامه‌های بین‌المللی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران با بررسی تحلیلی نظرات شورای نگهبان، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان.
- خلیلی‌نژاد، روح‌الله. (۱۳۹۴). تحلیل و بررسی حقوقی برنامه هسته‌ای ایران با گروه ۵+۱، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- دریایی، محمدحسن. (۱۳۹۲). مذاکرات هسته‌ای ۵+۱ توافق ژنو، تهران: انتشارات اطلاعات.
- رضایی‌پیش‌رباط، صالح. (۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر حقوق بین‌الملل هسته‌ای، تهران: اندیشه عصر.
- روحانی، حسن. (۱۳۹۲). امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای، چاپ هفتم، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- سادات‌میدانی، حسین. (۱۳۸۴). صلاحیت قانون‌گذاری شورای امنیت، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- سرتیپی، حسین و حجت‌زاده، علیرضا. (۱۳۹۲). حقوق امنیت هسته‌ای، تهران: نشر بنیاد حقوقی میزان.
- سلیمی‌ترکمانی، حجت. (۱۳۹۴). حقوق بین‌الملل هسته‌ای، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- صابری‌انصاری، بهزاد. (۱۳۹۴). معاهدات در گذر زمان، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- ضیایی‌بیگدلی، محمدرضا. (۱۳۸۵). حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ بیست و ششم، تهران: گنج دانش.
- ظریف، محمدجواد و سجادی‌پور، محمدکاظم. (۱۳۹۱). دیپلماسی چندجانبه، پویایی مفهومی و کارکردی سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، تهران: نشر وزارت امور خارجه.
- عنایت، حسین. (۱۳۷۰). تنظیم معاهدات بین‌المللی در حقوق کنونی ایران، تهران، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران.

مقالات

- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله. (۱۳۹۴). «کالبدشناسی مذاکره هسته‌ای ایران و امریکا تا حصول برجام و تصویب قطعنامه ۲۲۳۱»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال هشتم، شماره ۳۰، صص. ۵۶-۹.
- پروری، مریم. (۱۳۹۲). «تأثیر اقتصاد هنر در صنایع دستی ایران در دوره معاصر». اولین کنفرانس بین‌المللی حماسه سیاسی (با رویکردی بر تحولات خاورمیانه) و حماسه اقتصادی (با رویکردی بر مدیریت و حسابداری).
- تقی‌زاده انصاری، مصطفی. (۱۳۸۵). «بررسی قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت از نگاه حقوق بین‌الملل»، مجله حقوقی عدالت آراء، سال دوم، شماره ۴۵، صص. ۹۲-۱۰۳.
- حدادی، مهدی. (۱۳۹۲). «موافقت‌نامه‌های نزاکتی از منظر حقوق بین‌الملل»، مجله حقوقی بین‌الملل، سال سی‌ام، شماره ۴۸، صص. ۱۲۹-۱۵۰.
- ساعد، نادر. (۱۳۸۳). «فرایند خلع سلاح و کنترل تسلیحات در حقوق بین‌الملل منشور: از نظر تا عمل»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال ۳۴، شماره ۶۵، صص. ۸۵-۵۹.